

Considerations in the Conditions Governing the Extradition of Criminals in Iran, Afghanistan and Pakistan

Mohammad Taghi Rezaei¹, Siamak Zareei²

ملاحظات در شرایط حاکم بر نحوه استرداد مجرمین در ایران، افغانستان و پاکستان

محمد تقی رضائی^۱، سیامک زارعی^۲

1 - PhD in Public International Law, Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Sepidan Branch, Fars, Iran

2 - PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shiraz University (Corresponding Author) siamak729@yahoo.com

^۱ - دکتری حقوق بین الملل عمومی، استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد سپیدان، فارس، ایران

^۲ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) siamak729@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0003-3418-7961>

Abstract

The international community has increased cooperation and judicial assistance at the international level to effectively combat with various forms of transnational and international crimes. One of the most important types of this cooperation is the extradition of criminals based on bilateral or multilateral agreements or based on regional and international conventions. The review of extradition laws in the three countries of Iran, Afghanistan and Pakistan is due to the uniformity of political rule in these three countries, the Islamic Republic, even though the title of (Islamic Republic) has a different meaning in each of them. All extradition laws follow a series of similar and similar principles and forms, but nevertheless, the extradition law of Afghanistan, in addition to being up-to-date and observing the previous principles, considers the principles such as the principle of observance of Human rights standards and the prohibition of extradition of a woman or child of Afghan citizenship or the prohibition of extradition of a foreign child without citizenship to foreign countries also provide for the immunity of witnesses and experts in the extradition law. This article seeks to study the conditions governing extradition in three Islamic and neighboring countries in order to achieve a precise and common understanding of the compliance of their laws and agreements between them with the basic principles of extradition. Reviewing and reminding the extradition law of Iran and the obsolescence of cases such as misdemeanor and criminal penalties is suggested.

Keywords: Extradition, International Cooperation, Government System, Islamic Republic.

چکیده

جامعه جهانی برای مبارزه موثر با اشکال مختلف جرائم فراملی و بین المللی، همکاری و معاضدت‌های قضایی را در سطوح بین المللی افزایش داده است. یکی از مهم ترین انواع این همکاری‌ها استرداد مجرمین است که بر اساس توافق نامه‌های دو یا چندجانبه و یا بر اساس کنوانسیون‌های منطقه ای و بین المللی صورت می گیرد. بررسی قوانین استرداد مجرمین در سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان به دلیل یکنواختی حکومت سیاسی حاکم بر این سه کشور یعنی جمهوری اسلامی می باشد هر چند که این عنوان (جمهوری اسلامی) در هر یک از این سه کشور به شیوه های گوناگون از دیگری است. کلیه قوانین استرداد مجرمین از یک سری اصول شکی و ماهیتی یکسان و مشابه تبعیت می کنند اما با این وجود قانون استرداد مجرمین افغانستان علاوه بر روزآمدی و رعایت اصول پیشین اصول دیگری همچون اصل رعایت موازین حقوق بشر و ممنوعیت استرداد زن یا طفل تبعه افغانستان یا ممنوعیت استرداد طفل خارجی و بدون تابعیت به دول خارجی، مصونیت شاهد و اهل خبره را نیز در قانون استرداد مجرمین خود پیش بینی نموده است. این مقاله در پی بررسی شرایط حاکم بر استرداد در سه کشور اسلامی و همسایه می باشد تا پس از بررسی آن‌ها به فهم دقیق و مشترکی از تطابق قوانین و توافقات مابین آن‌ها با اصول اساسی استرداد دست یابد. پیشنهاد می گردد به دلیل قدمت طولانی قانون استرداد ایران و منسوخ بودن مواردی هم چون مجازات های جنحه ای و جنایی این قانون مورد بازنگری و اصلاح واقع شود.

واژگان کلیدی: استرداد، همکاری بین المللی، نظام حکومتی، جمهوری اسلامی.

Received: 2020/02/17

Review: 2020/08/20

Accepted: 2020/09/19

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷ - بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

مقدمه

اکثر قوانین استرداد از یک الگوی مشابه تبعیت می‌نمایند اما در خصوص ماهیت استرداد با چندگانگی مواجه هستیم. امروزه استرداد دارای جنبه‌های مختلف قضایی، اداری و سیاسی می‌باشد و همین چندگانگی باعث گردیده که آن طور که باید و شاید این قوانین با معیارهای حقوق بشری همسو و همگام نباشند و در اکثر موارد روابط سیاسی بر اصول قضایی حکمفرما باشد به نحوی که در اغلب اوقات در عمل دولت‌ها در ابتدا مصالح سیاسی و ملی را در نظر گرفته سپس اقدام به استرداد می‌نمایند. قوانین استرداد و همچنین پیمان‌ها و معاهدات دو یا چندجانبه چنان چه بر پایه دادرسی عادلانه صورت گرفته و حقوق مجرمین و متهمین بر طبق اصول کلی پذیرفته شده حقوقی رعایت گردد؛ اقدامی است در جهت تثبیت و پشتیبانی از مقررات جزائی و حقوقی کشور که بی شک قوانین استرداد کشورهای مورد مطالعه نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. بیش از یک پنجم جمعیت جهان که شامل کشورها و سرزمین‌های وسیعی از شرق آسیا تا غرب آفریقا می‌باشد به جهان اسلام تعلق دارد. «جهان اسلام» بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آئین و دینی مشترک هستند (مرکز تحقیقات حج، ۱۳۹۰، ۱۵).

استرداد در لغت به معنای پس گرفتن، طلب بازپس کردن و پس دادن آمده است و در اصطلاح حقوقی، همانند معنای لغوی تعاریف فراوانی از آن به عمل آمده است به عنوان نمونه استرداد به معنی تسلیم مجرم ادعائی یا شخصی که دارای محکومیت کیفری است و قبل از پایان محکومیتش از زندان فرار کرده باشد توسط یک دولت به دولتی دیگر است (والاس، ۱۳۸۷، ۱۶۳). استرداد عبارت از پس گرفتن متهم یا مجرم از کشوری است که مرتکب پس از ارتکاب جرم و یا قبل از محاکمه و اجرای مجازات به آن کشور گریخته، در آن جا سکونت اختیار کرده است (ولیدی، ۱۳۸۵، ۱۳۴). امروزه استرداد مجرمان در قالب توافق نامه‌های دو یا چندجانبه نیز صورت می‌گیرد به عنوان نمونه حتی در عرصه‌های مختلف کشورهای عضو سازمان آکو شامل ده کشور از جمله ایران نیز به دنبال بازار مشترک اقتصادی اند به همین جهت این دولت‌ها برای مبارزه با بزهکاری منطقه ای نیز با یکدیگر قراردادهای استرداد مجرمین و معاضدت اقتصادی قضائی و امنیتی امضا می‌کنند و یا از منظر سازمان پلیس بین الملل جنایی «استرداد پروسه ای است که دولت مورد تقاضا را مجاز می‌کند تا شخص مجرم یا متهم را که در حوزه آن کشور مامن گزیده است را به کشور متقاضی به منظور محاکمه یا اجرای حکم جزایی تحویل دهد.» استرداد یک فرآیند ترکیبی می‌باشد نه صرفاً حقوقی است و نه سیاسی و معمولاً توسط نهادهای قضائی آغاز شده و از طریق کانال‌های سیاسی ابلاغ می‌شود (دل افروز و لطفی، ۱۳۹۷، ۱۱۲). با این تفاسیر وضعیت جهان امروز خصوصاً در یکی دو قرن اخیر موجبات قرائت نوینی در دستیابی به عدالت جهان شمول و احقاق حق گردیده است تا در خصوص استرداد مجرمین که نتیجه آن مبارزه با جرم و بی کیفر ماندن مجرمین

می‌باشد میان صاحب نظران و سیاست مداران اجماعی حاصل گردید تا با عزمی جهانی این موضوع را دنبال نمایند. این مقاله درصدد بررسی شرایط حاکم بر نحوه استرداد مجرمین در سه کشور دارای نظام جمهوری یعنی ایران، افغانستان و پاکستان می‌باشد. در مقاله حاضر که از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی بوده با جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی اسنادی و فیش برداری و رجوع به سایت‌ها و مقالات متعدد به رشته تحریر درآمده است.

۱- شرایط استرداد مجرمین

۱-۱- ایران

هر کشوری با توجه به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی جغرافیایی و اقتصادی خود در خصوص امور شکلی و ماهوی استرداد مجرمین، قواعد و مقرراتی را وضع می‌نماید. به عنوان نمونه در کشور ما در سال ۱۳۳۹ قانون راجع به استرداد مجرمین به تصویب رسیده است که به نوبه خود اولین قانون جامع راجع به تأسیس حقوقی استرداد مجرمین در کشور به شمار می‌آید. ماهیت حقوقی استرداد مجرمین در واقع ناشی از اراده یک طرفه کشورها می‌باشد که صرفاً در محدوده قلمرو حاکمیت‌ها قابل اجرا و اعمال می‌باشد (ورویایی و رضوی، ۱۳۹۴، ۱۰۷).

قانون مورد بحث در مسئله استرداد، انعقاد قرارداد را مقدم بر تصویب مقررات داخلی دانسته است و علت تقدم قرارداد استرداد بر قانون استرداد این است که قرارداد از اراده بیش از یک دولت منبث گردیده است، حال آن که قانون مظهر اراده یک دولت بیش نیست. در هر حال پس از تصویب قانون راجع به استرداد مجرمین چند قرارداد دوجانبه میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها در زمینه استرداد مجرمین منعقد شده است، از جمله قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه در ۱۳۴۳ و همچنین قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت ایتالیا در ۱۳۵۵ به امضاء رسیده است (ورویایی و رضوی، ۱۳۹۴، ۱۰۵). ملاک عمل در خصوص استرداد مجرمین در حال حاضر مطابق با دستور العمل راجع به استرداد مجرمین و معاضدت قضایی بین المللی مورخه ۱۳۹۲/۳/۱۲ رئیس قوه قضاییه می‌باشد.

۱-۲- افغانستان

با توجه به ماده ۴ از قانون اساسی افغانستان^۱ مشروعیت استرداد منوط به وجود موافقتنامه‌های مبتنی بر معامله به مثل و یا کنوانسیون‌هایی است که دولت افغانستان به آن پیوسته است. درخواست استرداد متهم جهت انجام تحقیق و یا محاکمه تحت شرایط ذیل پذیرفته می‌شود. ارتکاب عمل مطابق قانون دولت افغانستان و دولت خارجی جرم شمرده شده و مجازات آن در قوانین هر دو دولت بیشتر از یک سال حبس باشد. رعایت میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و

۱ - ماده ۴ قانون استرداد متهمین، محکومین و همکاری عدلی (قضایی) جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۲۱ به آدرس:

مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز در مورد شخصی که استرداد وی درخواست گردیده در جریان تحقیق و محاکمه تعهد گردیده باشد. بازداشت متهم و یا جرم ارتكابی در قلمرو دولت افغانستان و یا دولت تقاضاکننده واقع شده باشد. متهم یا مجنی علیه تبعه دولت افغانستان و یا دولت تقاضاکننده باشد.

مطالعه و بررسی قانون استرداد محکومین و همکاری‌های عدلی افغانستان نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان سیستم مختلط را شیوه کار خود قرار داده است. در ماده ۵ قانون مزبور مقرر شده است که درخواست مبتنی بر استرداد محکومین و همکاری‌های عدلی مندرج در این قانون از طریق وزارت امور خارجه به نمایندگی سیاسی دولت مربوط مقیم کشور یا وزارت امور خارجه آن ارائه و همچنین قبول درخواست دولت خارجی در موارد متذکره نیز از این مجاری صورت می‌گیرد (سادات، ۱۳۹۷، ۵۳).

بر اساس ماده ۹ درخواست استرداد مظنون یا متهم از دولت خارجی با تصمیم دادستان کل^۱ و پذیرش درخواست دولت خارجی مبنی بر استرداد مظنون یا متهم از دولت افغانستان به پیشنهاد دادستان و تصمیم شورای عالی دیوانعالی کشور^۲ انجام می‌شود. همچنین هر گاه محکوم به سبب ارتکاب جرم دیگر مظنون یا متهم گردیده باشد استرداد وی تابع این حکم می‌باشد. درخواست‌های استرداد تبعه افغانستان که به حکم محکمه ذیصلاح خارجی محکوم به حبس گردیده و یا درخواست پذیرش دولت دیگر مبنی بر استرداد تبعه آن که به حکم محکمه ذیصلاح افغانستان محکوم به حبس گردیده است جهت تطبیق حبس با وزیر دادگستری می‌باشد. وزارت امور خارجه با در نظر گرفتن بندهای فوق درخواست استرداد را به محکمه ذیصلاح ارسال می‌نماید. استرداد بر اساس قانون افغانستان حوزه گسترده داشته و شامل مراحل کشف تحقیق محاکمه و اجرای حکم می‌گردد.

استرداد متهمین همانند استرداد مجرمین قابل مطالبه است هر چند قانون‌گذار افغانستان به طور مستقیم تعبیر به استرداد مجرمین نکرده است چرا که مجرمین بعد از محاکمه و اثبات مجرمیت تبدیل به محکومین می‌شود (سادات، ۱۳۹۷، ۵۳).

مطابق با ماده ۳۸ از قانون استرداد متهمین، محکومین و همکاری عدلی (قضائی) جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۲۱ در موارد ذیل درخواست همکاری قضایی رد می‌گردد: وقتی که درخواست مطابق اسناد تقنینی دولت درخواست‌کننده ارائه نگردیده باشد. اجرای درخواست مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور بوده و موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی گردد. قضیه ای که در مورد آن درخواست همکاری قضائی گردیده قبلاً در مورد آن حکم قضائی صادر شده باشد. اتخاذ تدابیر تقاضا شده مطابق با اسناد تقنینی کشور مجاز نبوده یا در مورد جرم مندرج درخواست قابل تطبیق نباشد. تقاضای

۱ - سارنوال به معنی دادستان و لوی سارنوال به معنی دادستان کل می‌باشد.

۲ - ستره محکمه به معنی دیوان عالی می‌باشد.

تطبیق حکم مغایر اسناد تقنینی نافذ کشور باشد. تقاضای اتخاذ تدابیر یا تطبیق حکم متهم بنا بر ملحوظات نژادی، مذهبی، تابعیت، منشاء قومی و یا نظریات سیاسی صورت گرفته باشد.

۱-۳- پاکستان

مطابق با فصل اول و در بند ۱ ماده ۲ قسمت a قانون استرداد مجرمین پاکستان^۱ در تعریف استرداد چنین آمده است: مقصود از بزه‌های موضوع استرداد بزه اعم از فعل یا ترک فعل‌هایی است که در جدول مشخص شده جرایم قرار دارد و یا در صلاحیت دولت پاکستان قرار دارد یا جرم واقع شده علیه دولت پاکستان می‌باشد همچنین در مواقع وجود معاهده با دولت خارجی در خصوص بزه ای که فرد مرتکب شده به موجب معاهده استرداد با آن کشور می‌بایستی به کشور خود بازگردانده شود و در مواقعی که دولت خارجی با دولت دارای معاهده نمی‌باشد ولی بزه ارتكابی در راستای ماده ۴ این قانون (استرداد متهم یا مجرم بنا به تصمیم دولت در مواقعی که عدم استرداد بر روابط دو کشور تاثیر منفی می‌گذارد) واقع شده باشد.

۲- تقاضای استرداد مجرم از سوی چند دولت به علت ارتکاب جرایم واحد و متعدد

اگر چند کشور تقاضای استرداد فرد مجرمی را به علت ارتکاب جرم واحد داشته باشند دولت ایران مجرم را به کدام کشور مسترد می‌نماید؟ مبنای استرداد کدام است؟ صلاحیت سرزمینی، شخصی و یا واقعی؟ ماده ۹ قانون استرداد مجرمین در پاسخ به این سؤال چنین بیان می‌نماید: هر گاه چند دولت تقاضای رد مجرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی نمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می‌شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است. آن چه که از بیان ماده به ذهن متبادر می‌گردد این است که اعمال صلاحیت سرزمینی و صلاحیت واقعی مرجح بر صلاحیت شخصی می‌باشد.

علت ترجیح اصل صلاحیت سرزمینی بر سایر صلاحیت‌ها نیز به خاطر این است که حق اعمال کیفر نسبت به بزهکاران از جلوه‌های حق حاکمیت یک دولت مستقل است و از این رو همه دولت‌ها بر رسیدگی به این جرایم و عدم واگذاری آن به یک دولت خارجی که اصولاً نسبت به جرائم ارتكابی در خارج از خاک خود بی تفاوت است پای می‌فشارند(خالقی، ۱۳۹۳، ۳۵). با در نظر گرفتن این فرض که اگر چند کشور تقاضای استرداد فرد مجرمی را به علت ارتکاب جرائم متعدد داشته باشند دولت ایران مجرم را به کدام کشور مسترد می‌نماید؟ قانون گذار در بیان پاسخ به این سؤال چنین بیان داشته که فرد مجرم به دولتی که حق تقدم دارد مسترد می‌گردد. مطابق با ماده ۱۰ قانون استرداد مجرمین: هر گاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرائم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می‌شود. در خصوص حق تقدم نیز تبصره ذیل همین ماده چنین اشعار می‌نماید که: حق تقدم در مواد ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و

1- Pakistan: Extradition Act, 1972

تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می نمایند معین خواهد شد. بدیهی است که تشخیص این حق تقدم با مقامات ایران می‌باشد.

مطابق با ماده ۱۹ قانون استرداد متهمین، محکومین و همکاری عدلی (قضائی) جمهوری اسلامی افغانستان در صورتی که جرم واحد باشد درخواست استرداد دولتی که جرم علیه منافع و یا اتباع آن اولا ارتکاب یافته باشد پذیرفته می‌شود و در صورتی که جرایم متعدد باشند در خواست استرداد از سوی دولتی که جرم شدیدتر علیه منافع و یا اتباع آن ارتکاب یافته باشد پذیرفته می‌شود. در مقایسه این بند از سؤال با قانون استرداد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۳۹ مشاهده گردید که در قانون ایران از واژه حق تقدم استفاده گردیده بود که این حق تقدم با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می نمایند معین می‌شد. بدیهی است که تشخیص شدت جرم همچون تشخیص حق تقدم بر عهده مقامات و مسئولین ذیربط در کشور افغانستان می‌باشد.

۳- استثنائات وارد بر قانون استرداد مجرمین

مطابق با ماده ۸ قانون استرداد مجرمین جمهوری اسلامی ایران استرداد در موارد ذیل مورد قبول واقع نخواهد شد: هر گاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد. هر گاه جرم ارتكابی از جرائم سیاسی باشد و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد. در مورد اختلافات و جنگ‌های داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد مگر آن که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگ‌های داخلی قابل قبول خواهد بود. سوءقصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد بود. هر گاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتكاب یافته و یا اگر در خارج از آن واقع شده مرتکب در ایران مورد تعقیب واقع و یا محکوم گردیده باشد. هر گاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد. هر گاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

قاعده کلی در قوانین استرداد این است که تمام جرایم قابل استرداد می‌باشند، اما مواردی را می‌توان نام برد که در آن مجرمین به دولت متقاضی مسترد نمی‌شوند. به عنوان نمونه در ماده ۷ قانون استرداد افغانستان زنان و اطفال تبعه افغانستان و اطفال خارجی و یا بدون تابعیت مسترد نمی‌گردند بلکه مطابق قانون داخلی افغانستان به جرم آن‌ها رسیدگی می‌شود. بر همین اساس در قانون استرداد مجرمین پاکستان نیز مواردی مستثنی شده که عبارتند از: وقتی که جرم سیاسی باشد. قبل از این که درخواست استرداد اقامه و ارائه شود دولت فدرال و یا رئیس دادگاه رضایت خود را ابراز نمایند. وقتی که مجرم محکوم به حبس ابد و یا اعدام شده باشد. وقتی که محکومیت به زندان کمتر از دوازده ماه باشد. وقتی که متهم به دلایل مذهبی، ملیتی، نژادی و یا عقاید سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته و بیم این باشد که مورد قضاوت ناحق قرار گرفته و یا مجازات شود.

با توجه به این که موارد استثنا شده در اکثر قوانین استرداد و یا توافقنامه‌های دوجانبه یکسان می‌باشد فلذا به دلیل جلوگیری از اطاله کلام ذیلا به بیان برخی از اصول مشترک و اصول ماهیتی حاکم بر استرداد می‌پردازیم.

۳-۱- اصل اتهام مضاعف

به طور اجمال می‌توان چنین بیان نمود که چنان چه عملی نزد هر دو کشور متقاضی و پذیرنده جرم باشد اصل اتهام مضاعف در این معنی به کار می‌رود. این جرم بودن عمل نه تنها در قانون استرداد مجرمین ایران بدان استناد گردیده بلکه به این مطلب در کنوانسیون‌هایی مانند بند دوم از ماده ششم کنوانسیون ملل متحد درباره مبارزه با موادمخدر و روانگردان (۱۹۸۸ وین) و بند اول از ماده دوم کنوانسیون مربوط به استرداد مجرمین بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (۱۹۹۶ بروکسل) و بند اول از ماده دوم الگوی سازمان ملل برای استرداد (۱۹۹۰ نیویورک) نیز اشاره گردیده است (میرزایی و فروغی، ۱۳۹۷، ۷۱).

۳-۲- اصل عدم استرداد اتباع

از قدیم تا به امروز این قاعده مرسوم در روابط دولت‌ها وجود داشته که تبعه خود را به دولت دیگر جهت انجام محاکمه مسترد نمی‌کرده اند، حتی اگر تبعه جرم را در قلمرو حاکمیت دولت متقاضی استرداد هم انجام داده باشد. در قراردادهای استرداد مجرمین ایران با سایر دولت‌ها هم این قاعده لحاظ گردیده است (پوربافرانی، ۱۳۹۴، ۲۱۷). در راستای اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و به منظور حمایت از اتباع داخلی هر کشور، این مسئله نیز به صورت عرف بین الملل درآمده و کشور متقاضی عنه بر اساس اصل یا استرداد یا محاکمه با تبعه خود رفتار خواهد کرد.

۳-۳- اصل عدم استرداد در جرایم سیاسی

با این که در قدیم الایام استرداد مخالفین سلاطین و مجرمین سیاسی و نظامی متداول بود اما از اواسط قرن نوزدهم یکی از موضوعات مهمی که در اکثر قراردادها و قوانین ناظر به استرداد مجرمین پیش بینی شده است عدم استرداد مجرمین سیاسی و نظامی است (ولیدی، ۱۳۸۵، ۱۳۷). این اصل در تمامی قراردادهای استرداد مجرمین از سوی قانون گذار مورد تقنین قرار گرفته است. علت پذیرش این اصل به این دلیل است که زیان دیده از جرم سیاسی حاکمیت و دولت است و لذا تسلیم او به حاکمیتی که مجرم سیاسی دشمن آن به شمار می‌آید خارج از قاعده انصاف است (پوربافرانی، ۱۳۹۴، ۲۱۸).

۳-۴- اصل عدم استرداد به دلیل صلاحیت دولت‌ها

یکی از نشانه‌های اقتدار دولت‌ها اعمال قوانین جزایی توسط قوه قضائیه آن دولت می‌باشد. بر اساس همین اقتدار اصل صلاحیت سرزمینی بین تمامی دولت‌ها یک اصل پذیرفته شده و مسلم می‌باشد.

۳-۵- اصل عدم استرداد در جرایم نظامی

جرایم نظامی عبارت است از قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده است (اردبیلی، ۱۳۸۲، ۲۷۱). ملاک و معیار تشخیص جرایم نظامی، اولاً شخصیت مرتکب جرم است که باید عضو نیروهای مسلح بوده باشد و ثانياً طبیعت جرم است که باید در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های خاص نظامی و انتظامی خود مبادرت به ارتکاب جرم نماید (رضوی، ۱۳۸۶، ۲۵). دولت‌ها در تعیین جرائم قابل استرداد از دو شیوه احصاء و حذف استفاده می‌کنند که در هر دو شیوه جرائمی که دارای جنبه سیاسی و نظامی اند از زمره جرایم قابل استرداد حذف می‌شوند. جرایمی که در حین زدوخوردها و جنگ‌های داخلی واقع می‌شود نیز مشمول استرداد نمی‌شوند مگر این که اعمال مجرمانه آن‌ها وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد (ولیدی، ۱۳۸۵، ۱۳۸).

۴- تشریفات

۴-۱- ایران

۱-۴-۱- استرداد از طریق مراجع قضائی داخلی

در مواردی که استرداد متهم یا محکوم از کشور خارجی ضروری باشد، دادسراها و دادگاه‌ها می‌توانند با وجود قرارداد و با رعایت شرط عمل متقابل و مطابق مفاد این دستورالعمل خطاب به اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه ارسال نمایند. همچنین در مواردی که دادگاه‌ها و دادسراها از فرار مجرمین به خارج از کشور مطلع می‌شوند ضمن صدور دستور دستگیری در مبادی ورودی و خروجی کشور از طریق دادستانی کل کشور، دستور فوری جهت ردیابی و شناسایی متهم یا محکوم فراری به پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران صادر نموده و رونوشت آن را در اسرع وقت به اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه و در جرایم امنیتی حسب مورد به وزارت اطلاعات یا سایر نهادهای ذیربط نیز ارسال می‌نمایند. لازم است درخواست‌های استرداد به همراه مدارک لازم به اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه ارسال گردد.

اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه موظف است با هماهنگی مرجع قضایی مربوطه نسبت به رفع نقایص احتمالی و هماهنگی برای ترجمه مدارک اقدام نموده و با تنظیم درخواست خطاب به مقام قضائی خارجی، مطابق مقررات، درخواست مقام قضائی ایرانی را به اطلاع مرجع ذیربط خارجی برساند و مراتب را تا حصول نتیجه پیگیری کند و تصویری از مدارک را جهت پیگیری و تسریع در کار به پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارسال نماید. مرجع قضائی در موارد فوری قبل از تنظیم درخواست موضوع تبصره ماده ۱ این دستورالعمل یا همزمان می‌تواند علاوه بر دستور ردیابی و شناسایی از طریق پلیس بین الملل، دستور دستگیری مجرم را با تصریح بر این که درخواست استرداد و مدارک را پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران صادر نموده و بلافاصله مطابق مواد ۱ و ۲ این دستورالعمل اقدام نماید. در صورت منتفی شدن تعقیب و عدم نیاز به دستگیری یا استرداد، مراتب فوراً

توسط مرجع قضائی درخواست کننده با ذکر علت به پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه اعلام می‌گردد.

۲-۴-۱- استرداد از طریق مراجع قضائی خارجی

چنانچه درخواست‌های استرداد از سوی مقامات کشورهای خارجی باشد این درخواست‌ها که برای وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دادستان کل کشور، اداره کل حقوقی اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه و یا هر مقام یا مرجع دیگری ارسال می‌گردد عینا تمامی موارد جهت انطباق با مقررات قانونی و اقدام لازم، به اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه ارسال می‌گردد. همچنین با توجه به عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان پلیس جنایی بین المللی (اینترپل)، درخواست‌های بازداشت یا اعلان‌های قرمز که از طریق پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران واصل می‌شود به منزله درخواست فوری مقام قضائی خارجی می‌باشد و مطابق مقررات قانونی مورد اقدام قرار خواهد گرفت. درخواست‌های فوری موضوع ماده قبل، در صورت شناسایی شخص به دادرسی مربوط و در غیر این صورت به دادرسی تهران ارائه می‌شوند. دادرسی‌ها دستورات لازم را به مبادی ورودی و خروجی کشور از طریق دادستانی کل کشور ابلاغ می‌نماید. در صورت دستگیری، دادرسی مربوط ضمن صدور قرار تأمین مناسب، مهلت مقرر قانونی جهت ارسال مدارک استرداد تعیین نموده و از طریق پلیس بین الملل به کشور تقاضاکننده اعلام می‌کند. در صورت عدم وصول مدارک در مهلت تعیین شده، از تأمین مأخوذه رفع اثر و شخص بلافاصله آزاد خواهد شد. در صورتی که فرد مورد درخواست ایرانی باشد، دادرسی با تعیین مهلت مناسب، درخواست ارسال مدارک اتهامی را از کشور تقاضاکننده می‌نماید و با توجه به مدارک واصل و تحقیقات انجام شده عنداللزوم نسبت به تعقیب و محاکمه فرد مزبور اقدام می‌نماید.

۲-۴-۲- افغانستان

۲-۴-۱- استرداد مظنون یا متهم از دولت خارجی

بر اساس ماده ۹ درخواست استرداد مظنون یا متهم از دولت خارجی با تصمیم دادستان کل و پذیرش درخواست دولت خارجی مبنی بر استرداد مظنون یا متهم از دولت افغانستان به پیشنهاد دادستان و تصمیم شورای عالی دیوانعالی کشور انجام می‌شود. همچنین هر گاه محکوم به سبب ارتکاب جرم دیگر مظنون یا متهم گردیده باشد استرداد وی تابع این حکم می‌باشد.

۲-۴-۲- استرداد تبعه افغانستانی محکوم به حبس از دولت خارجی

درخواست‌های استرداد تبعه افغانستان که به حکم محکمه ذیصلاح خارجی محکوم به حبس گردیده و یا درخواست پذیرش دولت دیگر مبنی بر استرداد تبعه آن که به حکم محکمه ذیصلاح افغانستان محکوم به حبس گردیده است جهت تطبیق حبس با وزیر دادگستری می‌باشد. وزارت امور خارجه با در نظر گرفتن بندهای فوق درخواست استرداد را به محکمه ذیصلاح ارسال می‌نماید.

قانون استرداد متهمین، محکومین و همکاری عدلی (قضائی) جمهوری اسلامی افغانستان نسبت به قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ جمهوری اسلامی ایران دارای محاسنی می‌باشد که از جمله آن می‌توان به مصونیت شاهد و اهل خبره اشاره نمود. مطابق با ماده ۳۹ اولا شاهد و اهل خبره که بر اساس درخواست همکاری مراجع عدلی و قضائی کشور حاضر می‌گردد، به سبب جرم ارتکاب یافته قبلی در قلمرو دولت افغانستان تحت توقیف و تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد. ثانياً مراجع عدلی و قضائی کشور، مصونیت شاهد و اهل خبره مندرج در فقره اول این ماده را تعهد می‌نمایند.

۴-۳- پاکستان

۱-۴-۳- استرداد اشخاص متهم به ارتکاب جرایم قابل استرداد به پاکستان

تقاضای استرداد شخصی که متهم یا محکوم به یکی از جرایم استرداد شده است و در یکی از کشورهای عضو معاهده استرداد حضور دارد یا مضمون به حضور در آن کشور است توسط دولت فدرال به یکی از طرق ذیل صورت می‌پذیرد: به نماینده دیپلماتیک آن دولت در پاکستان تسلیم می‌گردد. از طریق نماینده دیپلماتیک پاکستان در آن کشور تسلیم می‌گردد. به هر شیوه دیگری که بین دولت فدرال پاکستان و آن دولت مقرر گردیده است.

۲-۴-۳- استرداد اشخاص متهم به ارتکاب جرایم قابل استرداد از پاکستان

درخواست استرداد مجرم پناهنده باید به دولت فدرال تسلیم شود توسط یک نماینده دیپلماتیک در پاکستان از دولتی که درخواست استرداد کرده است. به وسیله حکومت دولتی که درخواست استرداد نموده از طریق نماینده دیپلماتیک پاکستان در آن کشور. به هر شیوه دیگری که بین دولت فدرال پاکستان و دولت درخواست دهنده استرداد مقرر گردیده است.

نتیجه گیری

بر اساس عرف بین الملل کشورهای مختلف در راستای صیانت از حاکمیت ملی و حفظ اقتدار خود ضوابط خاص و محدودیت هایی را در قوانین راجع به استرداد پیش بینی نموده اند. در وهله اول باید اذعان نمود که مبنای استرداد قوانین داخلی و ملی معاهدات دو یا چندجانبه و قراردادهای و یا قواعد عرفی حقوق بین الملل می‌باشد. در توجیه قواعد راجع به استرداد به عنوان مبنا به دو مقوله بی کیفیتهای مجرمین و کمک به اجرای عدالت اشاره شده است. بر همین اساس دستور العمل هایی نیز در خصوص نحوه ارائه درخواست از سوی دولت تقاضاکننده تدوین می‌گردد. استرداد عملی است سیاسی، اداری، قضائی ولی در هر صورت بررسی مدارک به همراه تسلیم درخواست استرداد که با هدف تأیید وجود شرایط رسمی استرداد و بررسی محتوایی موضوع و مدارک که توسط کشور متقاضی عنه انجام می‌گیرد در همه اشکال استرداد موجود می‌باشد. بر اساس اکثر کنوانسیونها به درخواست استرداد باید اسنادی از قبیل هویت شخص مورد تقاضا و تا حد امکان با عکس و آثار انگشت وی، مقام متقاضی بازداشت و علت

استرداد به همراه مواد قانونی مربوطه، توضیح اوضاع و احوال جرم مثل زمان و مکان وقوع جرم، وجود قرار بازداشت یا حکم لازم الاجرا ضمیمه شود و به وسیله یک زبان رسمی مورد توافق با ترجمه دقیق آن از طرق مشخص، ارسال گردد.

اصولی همچون اتهام مضاعف، منع استرداد در جرایم سیاسی و نظامی و اصل منع استرداد تبعه در هر سه کشور مورد مطالعه مورد اشاره قرار گرفته است و در خصوص رعایت حقوق شهروندی فرد استرداد شده در کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان تدابیری اندیشیده شده است. مثلاً در خصوص حقوق شخص بازداشت شده مطابق قانون استرداد ایران شخص بازداشت شده می تواند در موقع طرح پرونده در دادگاه وکیل یا مترجم برای خود انتخاب کرده و یا از دادگاه بخواهد که برای او وکیل یا مترجمی انتخاب نماید و در قانون افغانستان فرد در حال استرداد دارای حقوقی از قبیل تماس گرفتن فوری با نماینده دولت متبوع یا شخصی که صلاحیت حفظ حقوق وی را داشته باشد، ملاقات متهم بدون تابعیت با نماینده کشوری که عادتاً در آن سکونت دارد، ابلاغ این حقوق به شخص بازداشت شده و در صورت عدم تماس و ملاقات تدابیر لازم جهت ملاقات با نماینده صلیب سرخ اتخاذ می گردد. اصل رعایت موازین حقوق بشر و ممنوعیت استرداد زن یا طفل تبعه افغانستان یا طفل خارجی و بدون تابعیت به دول خارجی و مصونیت شاهد و اهل خبره از محاسن قانون استرداد افغانستان به شمار می رود این در حالی است که این اصول به عنوان یک حلقه مفقوده در قانون دو کشور دیگر به شمار می آید. ممنوعیت استرداد در پاکستان نیز شامل دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی و عقاید سیاسی می باشد که در قانون بدان اشاره گردیده است. همچنین انتشار لیست کشورهای خارجی مشمول معاهده استرداد در روزنامه رسمی و مشخص نمودن لیست بزه های موضوع استرداد به شرح جدول ضمیمه قانون استرداد پاکستان نیز از محاسن این قانون به شمار می آید.

با توجه به تاریخ تصویب قوانین استرداد این سه کشور، قانون استرداد افغانستان جدیدتر و دارای محاسن بیشتری نسبت به قانون استرداد کشورهای ایران و پاکستان می باشد. چرا که قریب به نیم قرن از تاریخ تصویب قانون استرداد ایران می گذرد هر چند که این قانون در زمان خود و با گذشت بیش از نیم قرن از زمان تصویب در نوع خود یک قانون مترقی به شمار می رفته است. فلذا شایسته است به دلیل قدمت طولانی قانون استرداد ایران و منسوخ بودن مواردی همچون مجازات های جنحه ای و جنائی این قانون مورد بازنگری و اصلاح گردد. در قانون استرداد مجرمین به انگیزه و دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی و عقاید سیاسی توجه گردد. در قانون استرداد به قواعد دادرسی منصفانه در فرآیند استرداد مجرمین توجه گردد.

منابع

فارسی

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۲، **حقوق جزای عمومی**، تهران، چاپ اول، جلد اول، انتشارات میزان.
- پور بافرانی، حسن، ۱۳۹۴، **حقوق جزای بین الملل**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جنگل.
- سادات، سیدشمس العارفین، ۱۳۹۷، استرداد مجرمین در اسناد بین الملل و حقوق جزای افغانستان، **ماهنامه عدالت**، سال بیستم، شماره ۱۹۰.
- خالقی، علی، ۱۳۹۳، **حقوق جزای بین الملل**، چاپ چهارم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- دل افروز، مصطفی و لطفی، فروزان، ۱۳۹۷، استرداد مجرمین در نظام‌های حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین الملل، **فصلنامه حقوقی قانون یار**، شماره ۸.
- رضوی، محمد، ۱۳۸۶، **حقوق کیفری نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- مرکز تحقیقات حج، ۱۳۹۰، **آشنایی با کشورهای اسلامی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مشعر.
- میرزایی، محمد و فروغی، فضل الله، ۱۳۹۴، معاضدت‌های حقوقی و پلیسی در مقابل جرائم فراملی با تاکید بر نقش اینترپل، **فصلنامه علمی کارآگاه**، شماره ۳۰.
- والاس، ربکا، ۱۳۸۷، **حقوق بین الملل**، ترجمه و تحقیق سیدقاسم زمانی، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- وروایی، اکبر و رضوی محمد، ۱۳۹۴، بررسی وضعیت حقوقی استرداد مجرمین در قلمرو حقوق کیفری بین المللی، **فصلنامه دانشکده علمی عوم و فنون مرزی**، شماره ۱۴.
- ولیدی، محمدصالح، ۱۳۸۵، **حقوق جزای عمومی**، چاپ دوازدهم، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قوانین

- قانون راجع به استرداد مجرمین جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۳۹
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
- قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان
- قانون استرداد متهمین، محکومین و همکاری عدلی (قضائی) جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۲۱

لاتین

- Common wealth schame for the rendition of fugitive offenders, London, 1966 as amended in 1990.
- Model Treaty Extradition New York 14 December 1990 Article 9 (1)
- Model Treaty Extradition New York 14 December 1990 Article 9 (1)
- Rome Statute of the International Criminal Court (Rome-1998) Article 68(1)
- Pakistan: Extradition Act, 1972